دوفصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری- سال دوم، شماره سوم، بهار و تابستان۱۳۹۶، صفحه۸۷-۱۰۹

بررسی تاثیر عوامل انگیزشی، دینی و رفتار مالی والدین بر رفتارهای مالی جوانان: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه های شهر ارومیه

الهام گوهری[۱] **فرزاد غیور***[۲]

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۳/۱۶ **تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۵/۲۵**

این مقاله، به بررسی تاثیر عوامل گوناگون در بروز رفتارهای مالی جوانان می پردازد. در این مدل، عوامل انگیزشی، عوامل دینی و رفتار مالی والدین به عنوان متغیرهای تاثیرگذار بر رفتار مالی جوانان مورد بررسی قرار گرفتند. از روش توصیفی برای اجرای این پژوهش استفاده گردیده است. بدین منظور، پرسشنامه استانداردی در میان ۲۸۹ نفر از دانشجویان ۱۸ تا ۲۵ سال دانشگاه های آزاد و سراسری شهر ارومیه در سال ۱۳۹۵ توزیع گردید. نتایج نشان می دهد که رفتار مالی جوانان تحت تاثیر مستقیم از باورهای دینی والدین و خودشان می باشند. همچنین، رفتار مالی والدین و آموزش های مالی آنان به طور معناداری بر رفتار مالی جوانان تاثیر گذار است.

واژگان کلیدی: رفتار مالی جوانان، رفتار مالی والدین، رفتار دینی جوانان، منبع کنترل بیرونی

[۱] کارشناسی ارشد حسابداری، گروه حسابداری، واحد ارومیه، دانشگاه آزاد اسلامی، ارومیه، ایران elham.gohary@gmail.com
[۲] استادیارگروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران (نوسنده مسئول) f.ghayour@urmia.ac.ir

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

۱-مقدمه

در دهه های اخیر کشور ایران شاهد رشد سریع جمعیت جوان بوده به طوری که بیش از سی درصد جمعیت کشور در سال های اخیر را افراد جوان در حدود ۲۰ تا ۳۵ سال تشکیل می دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). این رشد سریع جمعیت منجر به رشد سریع تقاضا برای کالاها و خدمات گوناگون گردیده به طوری که به موازات این امر، بازار تقاضای وسیعی نیز ایجاد گردیده است. به دلیل مسائل اقتصادی دهه های اخیر اقتصاد ایران و فشار تقاضا بر بخش کالاهای سرمایه ای و غیر سرمایه ای، بیشتر افراد در این رده های سنی تمایل بیشتری به استفاده از تسهیلات مالی و خدمات اعتباری بانک ها و موسسات مالی و اعتباری پیدا کرده اند تا استقلال مالی خود را حفظ کرده و پاسخگوی هزینه های جاری و روزمره خود باشند. به طوری که رقابت برای دریافت این خدمات در میان موسسات اعتباری منجر به کمبود منابع و تسهیلات شده است. به همین ترتیب، بانک ها و موسسات مالی به دلیل نوسان های شدید اقتصادی در سال های اخیر و عدم ثبات شغلی و درآمدی بسیاری از افراد، شرایط اعطای تسهیلات خرد را پیچیده کرده اند تا از حجم درخواست های تسهیلات برای مواردی چون خرید کالا و تعمیر بکاهند و بیشتر تسهیلات را تامین میزان سرمایه در گردش اختصاص دهند (دنیای اقتصاد، ۱۳۹۵). زیرا میزان بالای بدهی های افراد به بانک ها و نرخ پایین وصول وام ها موسسات مالی را با بحران نقدینگی مواجه ساخته است.

این عدم هزینه کرد صحیح وام ها و اعتبارات دریافتی از نظر برخی از محققان ناشی از چند عامل نظیر عدم آموزش صحیح، عدم انگیزه کافی برای آموزش و نگرش های افراد نسبت به آینده مالی خود می باشد (آنگولو-رویز و پرگلووا، ۲۰۱۵) و صرفاً مختص به ایران نیست. بلکه پژوهش های اخیر نشان می دهند یکی از دلایل بحران های مالی و اعتباری در جهان، عدم آموزش مالی و رفتار مالی افراد جوان به عنوان بیشترین استفاده کنندگان از وام های خرد می باشد (کونس و همکاران[1]، ۲۰۰۸). به عنوان مثال، گزارش آژانس مصرف کنندگان مالی کانادا نشان می دهند که شصت درصد افراد جوان این کشور دارای بدهی های سنگین مالی می باشند که می تواند ریشه در عدم آموزش های صحیح مدیریت مالی والدین به فرزندان باشد. زیرا طبق یافته های آنگولو-رویز و پرگلووا[2] (۲۰۱۵) آموزش والدین تاثیر بسزایی در نحوه رفتار مالی جوانان دارد. همچنین، درانی و همکاران (۱۳۹۲) در بررسی اثربخشی دوره های آموزش عمومی بورس اوراق بهادار تهران در ارتقا دانش مالی و فرهنگ سازی شرکت کنندگان دریافتند که این دوره ها بر

[1] Koonce et al.
[2] Angulo-Ruiz & Pergelova

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

ارتقا دانش افراد تاثیر مثبتی داشته اشت. برخی از مطالعات نشان می دهند که ارتباطات والدین با فرزندان و نوع شخصیت خانوادگی و فردی والدین می تواند تعیین کننده رفتار مالی جوانان و رفاه مالی آنان باشد (یورگنسن و همکاران[1]، ۲۰۱۶). در همین راستا، برخی دیگر از پژوهش ها نشان می دهند هوشیاری و آگاهی که ناشی از سواد مالی جوانان است می تواند آنان را در مدیریت موثر منابع مالی خود کمک کند و موجب افزایش میزان دارایی های به مرور زمان گردد (لتکیویژ و فوکس، ۲۰۱۴[2]). همچنین، یافته های اخیر تایید کرده اند که والدین و نوع نحوه مدیریت زندگی که منجر به تربیت فرزندان منظم می گردد باعث می شود تا این فرزندان مسئولیت بیشتری در قبال هزینه هر واحد پولی از اعتبار اعطا شده را داشته باشند (تانگ، بیکر و پیتر، ۲۰۱۵[3]).

از سوی دیگر، در جوامعی مانند ایران که دین نقش محوری در همه ابعاد زندگی افراد دارد، نگرش های دینی والدین و انتقال آن ها به فرزندان می تواند تعیین کننده نحوه رفتار مالی جوانان در جامعه باشد. به طوری که نتایج پژوهش ها نشان می دهد که خرید کالاهای لوکس توسط والدین برای فرزندان، می توانند منجر به تمایل فرزندان به صرف هزینه گزاف مالی برای خرید این کالاها در آینده گردد (پریندرگست و ونگ، ۲۰۰۳[4]). امری که در اسلام مورد نکوهش قرار گرفته است. با اینکه مطالعه داخلی در مورد تاثیر مصرف و خرید کالاها و رفتار مالی والدین بر رفتار مالی فرزندان یافت نشد اما یافته های خیری و فتحعلی (۱۳۹۴) نشان می دهد که افرادی که دارای خودبینی اجتماعی بالاتری هستند و به اثرات اجتماعی خرید کالاها و خدمات اهمیت بسیاری می دهند تمایل بیشتری به هزینه برای خرید کالاها و خدمات لوکس اختصاص می دهند. از دیدگاه رفتارشناسی، این رفتار والدین می تواند در رفتار آتی فرزندانشان تاثیر بسزایی داشته باشد (چائو و همکاران، ۲۰۱۲[5]). بنابراین، رفتارهای افراد در موقعیت های گوناگون می تواند ناشی از تاثیرپذیری آنان از دیگران و محیط پیرامون و یا ویژگی های شخصیتی خود افراد باشد (گورسوی و همکاران[6]، ۲۰۰۷؛ پیکوئرو و همکاران[7]، ۲۰۰۹).

این پژوهش، دستاوردهایی را در حوزه ادبیات فعلی رفتار مالی جوانان دارد. ابتدا، این مطالعه یک چارچوب نظری را برای رفتار مالی جوانان پیشنهاد داده شده توسط آنگولو-رویز و پرگلووا

---

[1] Jorgensen, Rappleyea, Schweichler, Fang, & Moran
[2] Letkiewicz & Fox
[3] Tang, Baker, & Peter
[4] Prendergast & Wong
[5] Cho, Gutter, Kim, & Mauldin
[6] Gursoy, McCleary, & Lepsito
[7] Piquero, Farrington, Welsh, Tremblay, & Jennings

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

(۲۰۱۵) که در کشور کانادا مورد بررسی قرار گرفته است در میان نمونه داخلی از جوانان ایرانی مورد آزمون قرار می دهد. همچنین، نقش والدین به عنوان یک الگو در امور مالی در رفتار مالی جوانان مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

در نهایت، با توجه به اینکه پژوهش های پیشین در این زمینه مقوله دین را به دلیل شرایط خاص فرهنگی و آداب و رسوم نادیده گرفته‌اند، این پژوهش سعی در پر کردن این خلا با بررسی نقش عقاید دینی والدین و خود جوانان در رفتار مالی آنان دارد. شکل ۱ مدل نظری پژوهش را نشان می دهد.

۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش:

پژوهش های صورت گرفته در حوزه رفتاری نشان می دهد که رفتار مالی افراد ریشه در ترکیبی از دانش و مهارت های آموخته شده، آگاهی های اجتماعی، روابط والدین- فرزندان و ویژگی های شخصیتی می باشد (نورویلیتیس و همکاران[1]، ۲۰۰۶؛ شیم و همکاران[2]، ۲۰۱۰). از سوی دیگر، اعتقاد بر این است که رفتارهای افراد بر پایه نگرش ها و دیدگاه های عقلایی است. بر اساس نظریه رفتار برنامه ریزی شده، رفتار مبتنی بر نظریه عمل منطقی است. این نظریه وقوع یک رفتار خاص را بر اساس نیت افراد مورد بررسی قرار می دهد و بیان می کند که اگر فرد نگرش مثبتی نسبت به انجام رفتار داشته باشد، افرادی که از نظر وی مهم هستند، اجرای رفتار توسط او را تایید نمایند و باور داشته باشند که انجام رفتار تحت کنترل اوست، آن گاه قصد می‌کند که رفتار مذکور را انجام دهد (آجزن[3]، ۱۹۹۱). تایید اقدام افراد توسط دیگران می تواند زمینه ساز اقدام افراد برای انجام یک رفتار خاص باشد. برای مثال، آنگولو-رویز و پرگلووا (۲۰۱۵) نشان دادند که رفتار مالی والدین و آموزش مالی آنان می تواند تاثیر بسزایی بر رفتارهای آتی مالی فرزندانشان داشته باشد. زیرا هم فرزندان از رفتار مالی والدین به عنوان یک الگو برای زندگی خود استفاده می کنند، هم رفتار آنان توسط کسانی که بیشترین اعتبار رفتاری و اخلاقی را در نزد آنان دارند تایید می شود.

همچنین، ادبیات رفتار مالی نشان می دهد که سن افراد تاثیر بسزایی در میزان سواد ادراک شده، اهداف مالی آینده و ظرفیت بهبود مالی افراد دارد (ژیائو، چن و سان[4]، ۲۰۱۵). به طور کلی، آموزش های مالی می تواند منجر به تغییر رفتار افراد و بهبود مدیریت منابع گردد. به طور مثال، ژیائو و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهشی که در میان دانشجویان کالج های امریکایی صورت گرفته

[1] Norvilitis et al.
[2] Shim, Barber, Card, Xiao, & Serido
[3] Ajzen
[4] Xiao, Chen, & Sun

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

بود نشان دادند که دانشجویانی که در کودکی تحت آموزش های مالی قرار گرفته اند، در هنگام جوانی دارای مدیریت بهتری در زمینه مخارج مالی و مدیریت هزینه ها هستند، زیرا این افراد به دلیل دانش کسب شده از آموزش های پیشین، دارای حس اعتماد به نفس بالاتری نسبت به بقیه افراد می باشد که این امر نیز به نوبه خود بر رفتار مالی آنان تاثیر گذار است (تانگ و بیکر، ۲۰۱۶). همچنین، پژوهش ها نشان داده اند که هرچقدر افراد دارای سواد مالی بالاتری هستند، تفاوت معناداری در استفاده از کارت های بدهی و قرض گرفتن از دیگران نسبت به افرادی که دارای سواد مالی کمتری هستند دارند به طوری که افراد با سواد مالی بالاتر تمایل کمتری به استفاده شدید از منابع مالی و اعتباری بانک ها و موسسات مالی دارند (سویم، تمیزل و سایلیر[1]، ۲۰۱۲). دیانتی دیلمی و حنیفه زاده (۱۳۹۴) نیز نشان دادند که عواملی چون سن، جنس، میزان تحصیلات، میزان درآمد، رشته تحصیلی، انباشت سرمایه و محل سکونت تاثیر مستقیمی بر میزان سواد مالی افراد دارند. بنابراین، می توان بیان نمود که رابطه معناداری میان آموزش های مالی والدین و رفتار مالی آنان در رفتار مالی جوانان وجود دارد.

گروهی از نظریه پردازان یادگیری اجتماعی از جمله راتر (۱۹۸۲) معتقدند که افراد، موفقیتها و شکست های خود را به عوامل شخصی یا محیطی نسبت می دهند. از این رو، دو منبع مهم کنترل، یعنی درونی و بیرونی[2] را شناسایی کرده اند. این نظریه به نظریه «منبع» یا «مکان کنترل» شهرت دارد. همین طور، اسلاوین معتقد است که افراد از لحاظ اعتقاد به منبع کنترل، به دو دسته تقسیم می شوند: الف) گروهی که موفقیتها و شکست های خود را به شخص خود و کوشش و توانایی خود نسبت می دهند، این گروه دارای منبع کنترل درونی نامیده می شوند. ب) گروه دیگر که موفقیتها و شکست های خود را به عوامل محیطی بیرون از خود (بخت و اقبال یا سطح دشواری تکلیف) نسبت می دهند، افراد دارای منبع کنترل بیرونی نامیده می شوند. افرادی که منبع کنترل بیرونی دارند رویدادهای مثبت یا منفی را پیامد رفتار خود نمی دانند بلکه آن را به شانس، سرنوشت، نفوذ افراد قدرتمند و عوامل محیطی ناشناخته مهار نشدنی نسبت می دهند. در نتیجه بر این باور هستند که برون دادهای خوب یا بد با رفتار خود آنها ارتباط نداشته و از کنترل آنها خارج است (حیدری پهلویان و همکاران، ۱۳۷۸). آنگولو-رویز و پرگلووا (۲۰۱۵) نشان دادند که هر چقدر والدین فرزندانشان را برای مدیریت صحیح منابع مالی آماده تر کنند و آنان نسبت به مسئولیت خویش در برابر اعتبارات دریافت کرده آگاه تر سازند، منجر به کاهش منبع کنترل خارجی در میان فرزندانشان می گردند. پری و موریس (۲۰۰۵) دریافتند که آن دسته از کسانی که باور دارند پیامدهای مالی ماحصل شانس یا افراد قدرتمند دیگر هستند (یعنی افراد با

[1] Sevim, Temizel, & Sayilir
[2] External and internal locus of control

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

کنترل منبع بیرونی) کمتر می توانند امور مالی خود را مدیریت کنند. هافمن، نوواک و شلوسر (۲۰۰۳) نیز معتقدند هر چقدر اعتقاد افراد به تاثیر عوامل خارجی بر نتایج مالی بیشتر باشد احتمال بروز رفتارهای هدفمند همچون جمع آوری اطلاعات در مورد یک محصول یا تصمیم خرید در آنها کمتر است. کسانی که فکر می کنند بر وقایع و رویدادها کنترل ندارند تلاش زیادی برای یادگیری و بروز رفتار مالی مسئولانه به خرج نمی دهند. بنابراین، انتظار می رود منبع کنترل بیرونی بر رفتار و دانش مالی تاثیر داشته باشند. نتایج پژوهش های به دست آمده در میان جوانان امریکایی نیز نشان می دهد که هر چقدر افراد دارای منبع کنترل بیرونی بالاتری باشند، تمایل و انگیزه کمتری به یادگیری و بهبود دانش مالی دارند زیرا ترجیح می‌دهند که عواقب شکست ها یا موفقیت خود را ناشی از عوامل خارج از کنترل خود بدانند تا دانش و تصمیم گیری خودشان (آنگولو-رویز و پرگلووا، ۲۰۱۵).

خانواده یکی از گروههای ابتدایی اجتماعی است که ارتباطش با افراد به صورت رودررو و چهره به چهره خواهد بود. در طول تمام تاریخ بشری و در سرتاسر جهان، خانواده از تنوع ذاتی - فرهنگی برخوردار بوده و فرزندان هم تا مدتهای مدیدی از نظر بقای زیست شناختی به بزرگان این نهاد تربیتی و مهم وابسته هستند. پارسونز در ارتباط با نقش خانواده در فرایند تربیتی و اجتماعی شدن، یادآور می‌شود که شخصیت انسان، مادرزاد نیست؛ بلکه یک فرآیند اکتسابی است و در اصل به همین دلیل است که خانواده یکی از نهادهای مهم و کلیدی به شمار می‌آید و شخصیت اصلی و اولیه انسان در این نهاد شکل می‌گیرد (جزایری، ۱۳۸۴). کانتر (۲۰۰۰) بیان می‌کند که میزان تأثیر والدین بر روی نگرشهای فرزندان و رفتار آنها بسیار چشمگیر است. آنها نقش اساسی در شکل‌گیری اعتقادات فرزندانشان بازی می‌کنند و نگرشها و اعتقادات خود را به طور مستقیم و غیرمستقیم به کودکان انتقال می‌دهند و کودکان این تأثیر را از روی مشاهده اعمال و رفتار والدین می‌پذیرند.

مصاحبی (۱۳۶۸) در تحقیق خود به این نتیجه رسیده است که بین گرایش به نماز در جوانان و سطح تحصیلات والدین رابطه مستقیم و معناداری وجود دارد؛ یعنی با افزایش سطح تحصیلات والدین، گرایش به نماز در جوانان افزایش می‌یابد (به نقل از احمدی و امیری، ۱۳۸۱).

آقا محمدی (۱۳۹۲) نیز نشان داد که نگرش مذهبی والدین در تربیت دینی فرزندان تأثیر مستقیم داشته و رعایت آداب دینی از سوی والدین با تربیت دینی فرزندان آنها رابطه معناداری دارد.

گنجوئی و نائب زاده (۱۳۹۳) بیان نمودند که سواد مالی افراد تاثیرپذیری مستقیمی از میزان اعتقادات دینی آنان دارد. با این که پژوهش های کمی در مورد نقش نگرش های دینی والدین

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

بر رفتارهای مالی شکل گرفته است، می توان با استناد به مطالب فوق دریافت که اگر دینداری والدین تاثیر مثبتی در نگرش های دینی فرزندان دارد، پس این رفتار می تواند در مسائل مالی نیز بروز کند و فرزندان همراستا با والدین خود نگرش های دینی خود را در رفتار مالی خود دخیل نمایند.

همچنین، انگیزش افراد به عنوان یک عامل تعیین کننده در بهبود کسب دانش مالی مورد توجه قرار گرفته است. طبق نظر پنتریچ و شانک (به نقل از صالحی و همکاران، ۱۳۹۴)، انگیزش فرآیندی است که طی آن فعالیت هدف محور برانگیخته و حفظ می شود. برلسون و استانیر (به نقل از ایرانی و همکاران، ۱۳۹۲) معتقدند که انگیزش حالت درونی فرد است و رفتاری را در او به وجود می آورد که برای رسیدن به هدف مشخصی نهایت تلاش خود را می کند. طبق نظر نوروزی و همکاران (همان منبع) فرآیند انگیزش به نیروهای پیچیده، نیازها و شرایط تنش زا یا مکانیسم های دیگری اطلاق می شود که فعالیت فرد را برای تحقق اهداف او آغاز کرده و به آن تداوم می بخشند. انگیزش نتیجه تعامل میان فرد و موقعیت است و بنا به تعریف عبارت است از فرآیندی که شدت، راستا و ثبات فرد در تلاش برای دستیابی به یک هدف را مشخص می کند (سپهوند و همکاران، ۱۳۹۲). از دید روان شناسان، انگیزش یکی از مفاهیم کلیدی است و برای توضیح سطوح مختلف عملکرد به کار می رود (بحرانی، ۱۳۸۴). طبق نظر بال (به نقل از بحرانی، ۱۳۸۴) انگیزه یک مفهوم اساسی در آموزش به شمار می رود. انگیزش عبارت است از مجموعه ای از نیروها که موجب می شود فرد به روش خاصی رفتار کند. برای بهبود این رفتار خاص، فرد نیاز دارد که خود را به طور پیوسته از نظر دانشی غنی و بازخوردی مورد ارزیابی قرار دهد. با توجه به پویایی محیط پیرامون و سبک زندگی پیچیده امروزی، انگیزه می تواند نقش تعیین کننده ای بر تمایل به یادگیری طرق گوناگون داشته باشد. زیرا اگر فرد از نظر دانشی خود را بهبود نبخشد، در رقابت با بقیه افراد جامعه دچار عقب ماندگی خواهد شد. برای مثال، افراد برای سرمایه گذاری گزینه های زیادی را شرکت های سرمایه گذاری دریافت می کنند که دارای طرحهای پیچیده ای از ریسک، سود و بازده سرمایه گذاری انجام شده است. آنان همچنین داستان های زیادی را افرادی سرمایه خود را از دست داده اند و یا افرادی که سرمایه خود را به طور منظم افزایش داده اند می شنوند که نتیجه تمامی این شکست ها و موفقیت ها در دانشی است که افراد کسب کرده اند. یافته های به دست آمده از پژوهش آنگولو-رویز و پرگلووا (۲۰۱۵) نشان می دهد که انگیزه افراد جوان تاثیر بسزایی بر یادگیری در باره موضوعاتی نظیر اعتبار، پس انداز، بودجه بندی شخصی، سرمایه گذاری و ریسک دارد.

تطبیق با نقش مالی والدین به صورت یک الگو در مسائل مالی به عنوان ارزیابی جوانان از مدیریت مالی والدین و تقلید از آن در مدیریت منابع مالی خود تعریف می گردد (شیم، باربر و

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

همکاران، ۲۰۱۰). یک الگوی موفق یا نا موفق مدیریت مالی توسط والدین می تواند منجر به افزایش سطح منبع کنترل بیرونی گردد (لوزاردی و همکاران، ۲۰۱۰). همچنین بهبود دانش مالی منجر به اکتساب الگوهای موفق در میان افراد می گردد. بدیهی است که والدین افراد به عنوان اولین الگوهای زندگی افراد نقش مهمی در بروز رفتارهای مالی افراد دارند و بسیاری از رفتارهای مالی جوانان ناشی از الگوبرداری از رفتارهای مالی والدین می باشد. در همین راستا، آرنت (۲۰۰۴) بیان می کند که هنگامی که والدین و فرزندان نوع جدیدی از رابطه را پایه گذاری می کنند، فرزندان هرچه بیشتر سعی در تطبیق رفتارها و برنامه ریزی های خود بر مبنای الگوی موفق تجربه شده والدین خود و بهبود آن از طریق اصلاحات مد نظر خود دارند.

۳- فرضیه های پژوهش:

با توجه به توضیحات ارائه شده فوق، فرضیات پژوهش به صورت زیر بیان می گردند:

H1a: رفتار مالی والدین بر رفتار مالی جوانان به طور مثبتی تاثیر گذار است.

H1b: آموزش مالی والدین به طور مثبتی بر دانش مالی جوانان تاثیرگذار است.

H1c: رفتار مالی والدین سطح کنترل منبع خارجی را کاهش می دهد.

H2: نگرش های دینی والدین در مسائل مالی بر نگرش های دینی افراد در مسائل مالی تاثیر مستقیم دارد.

H3: نگرش های دینی جوانان در مسائل مالی بر رفتار مالی جوانان تاثیر مستقیم دارد.

H4: انگیزه جوانان تاثیر مثبتی بر دانش مالی افراد دارد.

H5a: منبع کنترل بیرونی تاثیر منفی بر دانش مالی دارد.

H5b: منبع کنترل بیرونی تاثیر منفی بر رفتار مالی جوانان دارد.

H6: منبع کنترل بیرونی موجب افزایش سطح تطبیق با نقش والدین به عنوان یک الگو در امور مالی می‌گردد.

H7: دانش مالی موجب افزایش سطح تطبیق با نقش والدین به عنوان یک الگو در امور مالی می‌گردد.

H8: تطبیق با نقش والدین به عنوان یک الگو در امور مالی تاثیر مستقیم بر رفتار مالی جوانان دارد.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]

[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]

[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش (آنگولو-رویز و پرگلووا، ۲۰۱۵)

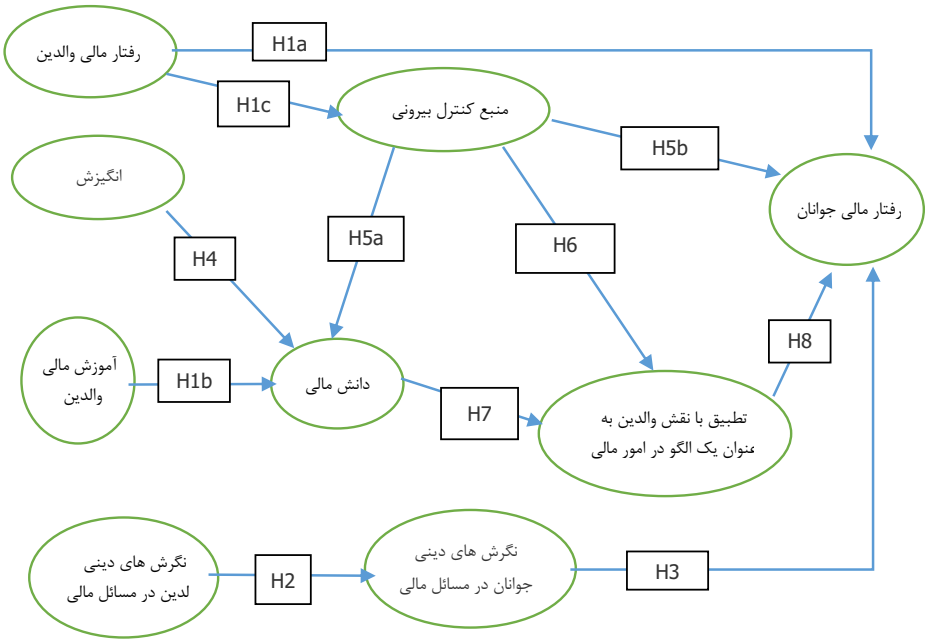

۴- روش‌شناسی پژوهش:

همانطور که اشاره شد از پرسشنامه برای گردآوری داده های میدانی استفاده گردید. برای سنجش متغیرهای مربوط به رفتار مالی والدین، آموزش مالی والدین، دانش مالی، انگیزش و رفتار مالی جوانان از پرسشنامه ارائه شده توسط انگولو-رویز و پرگلوا (۲۰۱۵) استفاده گردید. تطبیق با نقش والدین به عنوان یک الگو در امور مالی نیز توسط سنجه ارائه شده توسط شیم و همکاران (۲۰۱۰) مورد سنجش قرار گرفت. سوالات مربوط به نگرش های دینی جوانان و والدین نیز توسط پرسشنامه ای که خود محقق تهیه کرده بود ارزیابی گردید. برای بررسی روایی محتوای پرسشنامه، ابتدا از چند نفر از نخبگان نظیر استادان دانشگاه در رشته های حسابداری، مدیریت، جامعه شناسی و علوم تربیتی در زمینه مد نظر درخواست گردید تا نظر خود را نسبت به سوالات پرسشنامه اعلام نمایند، سپس برای بررسی روایی صوری نیز تعداد سی عدد پرسشنامه در میان دانشجویان پخش گردید تا نکات مبهم و میزان درک آنان از پرسشنامه نسبت به موضوع پژوهش بررسی گردد. تمامی سوالات از طریق طیف لیکرت پنج گزینه ای، از کاملا موافقم تا کاملا مخالفم، مورد ارزیابی قرار گرفتند. برای بررسی رفتار مالی والدین از ۳ سوال، انگیزش ۲ سوال، نگرش

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

دینی والدین ۴ سوال، منبع کنترل بیرونی ۳ سوال، دانش مالی ۵ سوال، نگرش دینی جوانان ۵ سوال، تطبیق با رفتار مالی والدین ۴ سوال، رفتار مالی جوانان ۳ سوال و آموزش مالی والدین ۲ سوال استفاده گردید.

جامعه آماری این تحقیق را جوانانی که در سال ۱۳۹۵ بین ۱۸ تا ۲۵ سال داشته اند و در دانشگاه های آزاد و سراسری شهرستان ارومیه در رشته حسابداری تحصیل می کردند، تشکیل می‌دهند. رشته حسابداری به این دلیل انتخاب گردید که دانشجویان این رشته از سن ۱۸ سالگی و از هنگام ورود به دانشگاه با مباحث مالی آشنا می گردند، دارای ذهنیت مناسبی از رفتار مالی و نحوه هزینه کرد بوده که می تواند موجب افزایش اعتبار درونی و جلوگیری از سوگیری های آتی گردد. ۵۶ درصد پرسشوندگان مرد و ۴۴ درصد زن را تشکیل می دهند. ۹۵ درصد در مقطع کارشناسی و ۵ درصد در مقطع کارشناسی ارشد تحصیل می کردند. ۳ درصد پرسشوندگان همزمان با تحصیل در سازمان های دولتی، ۲۵ درصد در بخش خصوصی شاغل بودند و ۷۲ درصد نیز صرفا مشغول تحصیل بودند. پژوهشگران در این پژوهش از روش نمونه‌گیری در دسترس بهره جستند و برای تعیین حجم نمونه نیز از جدول مورگان فرمول کوکران استفاده شد (فرمول شماره ۱ را مشاهده کنید). برای جلوگیری از سوگیری های ناشی از عدم استفاده از روش های نمونه گیری احتمالی، نمونه های مورد مطالعه این پژوهش از میان دانشجویان دو دانشگاه در مقاطع مختلف و ورودی های متفاوت انتخاب گردید. بدین ترتیب، تنوع نمونه به اندازه ای است که می توان نتایج پژوهش را به جامعه تعمیم داد. همچنین، برخی از پژوهش های پیشین بیان کردند که یکی از روش های آزمون میزان اتکا به نمونه های در دسترس بررسی تفاوت میان میان میانگین ها، واریانس ها و ... می باشد (پترسون و مرونکا، ۲۰۱۴[1]). از این رو، از آزمون تی مستقل برای بررسی تفاوت میانگین میان متغیرهای پژوهش استفاده گردید. نتایج حاصل از آزمون میان دانشجویان دانشگاه آزاد و سراسری نشان می دهد که پاسخ های شرکت کنندگان از این دو دانشگاه هیچ تفاوت معناداری با یکدیگر ندارند (جدول ۱ را مشاهده کنید). با توجه به اینکه تعداد دانشجویان مقطع کاردانی و لیسانس حسابداری دانشگاه های شهر ارومیه در حدود هزار نفر می باشند، تعداد مورد نیاز برای نمونه گیری ۲۷۸ نفر می باشد. تعداد ۳۸۰ پرسشنامه توزیع شد که ۲۸۹ پرسشنامه قابل سنجش و بررسی شناخته شد و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. بقیه پرسشنامه ها نیز مخدوش و غیرقابل استفاده تشخیص داده شدند.

[1] Peterson and Merunka, 2014

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

جدول ۲: آزمون تی مستقل برای بررسی تفاوت میانگین بین دانشجویان دانشگاه سراسری و آزاد

متغیر	آماره تی	درجه آزادی	معنی داری	تفاوت میانگین ها
رفتار مالی والدین	۱.۳۱۴	۲۷۴	۰.۱۹۰	۰.۱۵۷
آموزش مالی والدین	-۱.۵۶۷	۲۷۴	۰.۱۱۸	-۰.۱۷۸
کنترل منبع خارجی	۱.۴۹۸	۲۷۴	۰.۱۳۵	۰.۱۶۱
انگیزش دانش مالی	۱.۱۶۶	۲۷۳	۰.۲۴۵	۰.۱۳۸
دانش مالی	۱.۱۴۷	۲۷۲	۰.۲۶۷	۰.۱۹۱
رفتار مالی جوانان	۱.۴۵۹	۲۷۲	۰.۱۴۶	۰.۱۳۵
تطبیق با والدین	-۱.۸۹۵	۲۷۱	۰.۰۵۹	-۰.۱۹۹
نگرش دینی جوانان	-۱.۳۱۸	۲۷۰	۰.۱۸۹	-۰.۱۳۴
نگرش دینی والدین	۱.۳۷۹	۲۷۶	۰.۴۵۸	۰.۰۷۰

فرمول ۱: تعیین حجم نمونه

$$n=\frac{NZ^2_{1-\frac{\alpha}{2}}pq}{(N-1)\varepsilon^2+Z^2_{1-\frac{\alpha}{2}}pq}\Rightarrow\frac{1000\times(1.96)^2\times(0.5)^2}{1000\times(0.05)^2+(1.96)^2(0.5)^2}\cong 278$$

۵- یافته های پژوهش:

■ تحلیل عاملی تأییدی:

به منظور بررسی ساختار پرسشنامه و بررسی اعتبار از تحلیل عاملی تاییدی استفاده شده است. به طور کلی، از دو روش برای تحلیل اعتبار سازه استفاده می گردد: اعتبار همگرا و اعتبار واگرا. اعتبار همگرا بیان می کند که میزان همبستگی میان گویه های مختلف می باشد که یک مفهوم را مورد سنجش قرار می دهند (اسریجش، موهاپاترا و آنوسری، ۲۰۱۴[1]). هیر و همکاران (۲۰۰۹) سه معیار برای بررسی اعتبار همگرای پژوهش ارائه دادند. آنان بیان کردند که اعتبار یک سازه زمانی تایید می گردد که تمامی بارهای عاملی یک متغیر بالای ۰.۵ باشد. همچنین، میانگین واریانس تبیین شده برای هر متغیر باید بیشتر از ۰.۵ باشد تا اطمینان حاصل شود که میزان واریانس تبیین شده توسط سازه بیشتر از مقادیر خطای باقیمانده است. پایایی ترکیبی بالای ۰.۷ باشد. پایایی ترکیبی شبیه ضریب آلفای کرونباخ است با این تفاوت که همگرایی درونی هر سوال با بقیه سوال های یک مفهوم در تحلیل عاملی تاییدی را نشان می دهد.

[1] Sreejesh, Mohapatra, & Anusree

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

نتایج تحلیل عاملی تأییدی سازه‌های تحقیق در جدول ۲ خلاصه شده‌اند. تمامی بارهای عاملی به جز گویه سوم رفتار مالی جوانان بالاتر از حداقل مقدار قابل قبول (۰،۵۰) بوده (هِیر و همکاران، ۲۰۰۹[1]) و توانسته‌اند سهم معناداری در اندازه‌گیری سازه مربوطه ایجاد کنند. به همین دلیل، گویه هایی که نتوانسته اند حداقل مقدار بار عاملی را به دست آورند از ادامه فرآیند تحلیل حذف می گردند. همانطور نتایج نشان می دهند گویه سوم متغیر رفتار مالی جوانان به دلیل اینکه مقداری کمتر از حد توصیه شده را نشان می دهد (۰.۱۷۵) از ادامه فرآیند تحلیل حذف گردید. ضریب آلفای کرونباخ که نشان دهنده پایایی پرسشنامه می باشد برای هر متغیر مقادیری بالای ۰.۷ را نشان می دهد که نشان دهنده پایا بودن پرسشنامه مذکور می باشد.

جدول ۱: بارهای عاملی، میانگین واریانس تبیین شده، پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ گویه ها و متغیرهای پژوهش

متغیر	گویه	بار عاملی	میانگین واریانس تبیین شده	پایایی ترکیبی	ضریب تعیین	آلفای کرونباخ
رفتار مالی والدین	هر ماه برای آینده پول پس انداز می کنند.	۰.۸۷۵	۰.۶۵۸	۰.۸۵۱	---	۰.۷۳۴
	معمولا برای اهداف بلند مدت پول سرمایه گذاری می‌کنند.	۰.۸۷۲				
	اندازه بودجه شان پول خرج می کنند (هزینه می کنند)	۰.۶۷۰				
رفتار مالی جوانان	من معمولا مبلغی را برای پس انداز کنار می گذارم.	۰.۸۸۲	۰.۷۸۰	۰.۸۷۶	۰.۳۹۴	۰.۷۱۸
	من معمولا یک برنامه بودجه ریزی تعیین می کنم و به ان عمل می کنم.	۰.۸۷۸				
	من حس می کنم که مسائل مالی من را کنترل می کنند.	۰.۱۷۵				

[1] Hair et al.

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

متغیر	گویه	بار عاملی	میانگین واریانس تبیین شده	پایایی ترکیبی	ضریب تعیین	آلفای کرونباخ
آموزش مالی والدین	به من نحوه خرج کردن پس اندازم را آموزش دادند.	۰.۸۴۲	۰.۶۲۸	۰.۸۳۳	---	۰.۷۱۱
	آن ها با من درباره ی اهمیت پس انداز کردن صحبت می‌کردند.	۰.۸۶۸				
	آن ها درباره مدیریت بهتر مخارج و هزینه هایم با من بحث می کنند.	۰.۶۴۹				
دانش مالی	سطح دانش در مورد نرخ بهره	۰.۶۹۲	۰.۶۰۶	۰.۸۸۴	۰.۲۲۵	۰.۸۳۹
	سطح دانش در مورد مسائل اعتباری	۰.۸۰۰				
	سطح دانش در مورد چگونگی سرمایه گذاری پول	۰.۷۹۳				
	سطح دانش در مورد چگونگی کار کردن با یک مشاور مالی	۰.۸۲۲				
	سطح دانش در مورد یک برنامه بودجه	۰.۷۷۸				
کنترل منبع خارجی	واقعا راهی نیست که بتوانم مشکلاتم را حل کنم.	۰.۷۸۳	۰.۵۶۸	۰.۸۶۷	۰.۴۰۴	۰.۸۲۳
	زندگی به من فشار زیادی وارد می کند.	۰.۷۷۱				
	برای تغییر زندگی ام کارهای زیادی نمی توانم انجام دهم.	۰.۷۹۷				
	در مواجه با مشکلات زندگی، کسی به من کمک نمی کند.	۰.۷۰۲				
	کنترل زیادی به اتفاقاتی که برای من می افتد، ندارم.	۰.۷۵۸				
تطبیق با والدین	من تصمیمات مالی خودم را بر اساس تصمیماتی که والدینم در موقعیت مشابه گرفته اند، می گیرم.	۰.۷۳۱	۰.۶۴۳	۰.۸۷۸	۰.۵۵۰	۰.۸۱۷
	هنگامی که بحث مدیریت پول مطرح می شود، من والدینم را	۰.۸۴۶				

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

	به عنوان یک الگو در نظر قرار می دهم.					
	والدین من به عنوان یک الگو برای من در مورد نحوه ی مدیریت پول می باشند.	۰.۸۵۸				
	هنگامی که بحث مدیریت پول مطرح می شود، والدین من تاثیر مثبتی بر من دارند.	۰.۷۶۶				
نگرش دینی والدین	والدین من تصمیمات خود را بر اساس آموزه های دینی اخذ می کنند.	۰.۶۲۶	۰.۵۶۷	۰.۸۳۸	---	۰.۷۴۲
	توصیه های دینی، نقش مهمی در برنامه بودجه خانواده من داشته است.	۰.۸۵۸				
	رعایت آموزه های دینی توسط والدیتم در امور مالی موجب توازن بودجه ای (هزینه و درآمد) گردیده است.	۰.۸۱۵				
	هر وقت والدینم از امور دینی در مسائل مالی غافل شده اند، توازن مالی خانواده بر هم خورده است.	۰.۶۸۹				
نگرش دینی جوانان	من تصمیمات مالی خودم را بر اساس آموزه های دینی اتخاذ می کنم.	۰.۷۹۷	۰.۶۴۸	۰.۹۰۲	۰.۳۴۰	۰.۸۶۳
	توصیه های دینی نقش مهمی بر نحوه ی مدیریت درآمدها و مخارج من دارند.	۰.۷۹۴				
	معتقدم که رعایت مسائل دینی در امور مالی موجب توازن در میزان هزینه ها و درآمدهای من می گردد.	۰.۸۶۲				
	معتقدم که رعایت مسائل دینی موجب کارایی و بهبود مستمر سیستم هزینه و درآمد من می گردد.	۰.۸۳۲				
	رعایت مسائل دینی در امور مالی موجب بهبود کیفیت درآمد در مقابل کمیت آن می گردد (برکت می آورد).	۰.۷۳۲				

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

انگیزش	تمایل به یادگیری و شرکت در دوره های مرتبط با مسائل مالی برای افزایش دانش مالی خود دارم.	۰.۸۶۴	۰.۸۰۴	۰.۸۹۱	---	۰.۷۶۱
	تمایل به دسترسی به منابع اطلاعاتی و آموزشی مالی برای افزایش دانش مالی خودم دارم.	۰.۹۲۸				

بر همین اساس، جدول ۲ نشان دهنده این امر است که تمامی متغیرها حداقل مقادیر لازم توصیه شده را کسب نموده اند به طوری که میانگین واریانس تبیین شده برای تمامی متغیرها بالای ۰.۵ و پایایی مرکب نیز بالای ۰.۷ را نشان می دهند. پس، می توان نتیجه گرفت که سازه دارای اعتبار همگرا می باشد.

از سوی دیگر، اعتبار واگرا بیان می کند که سازه ای که مورد بررسی قرار گرفته است به طور معناداری با دیگر سازه های مورد بررسی در پژوهش همبسته نیست و هر کدام عملکرد جداگانه ای در سازه دارند (هیر، بوش و آرتینائو، ۲۰۰۳[1]). اعتبار واگرا زمانی حاصل می شود که مربع ریشه میانگین واریانس های استخراج شده از هر متغیر مکنون از مربع همبستگی متغیرهای دیگر در مدل بیشتر باشد. برای مثال، در متغیر تطبیق با والدین که میانگین واریانس استخراج شده برابر با ۰.۴۱۳ می باشد، مربعات همبستگی تمامی متغیرها کمتر از مقدار میانگین واریانس استخراج شده می باشند (بین ۰.۰۴۲ تا ۰.۳۶۳ در حال متغیر هستند.) جدول ۳ نشان می دهنده وجود اعتبار واگرا می باشد. پس، با توجه به نتایج به دست آمده می توان بیان نمود که سازه دارای اعتبار می باشد.

همچنین؛ مطابق با جدول ۲ ضریب تعیین (R^2) بررسی می‌کند چند درصد از واریانس یک متغیر وابسته توسط متغیر(های) مستقل تبیین و توضیح داده می‌شود. بنابراین طبیعی است که این مقدار برای متغیر مستقل مقداری برابر صفر می‌باشد و برای متغیر وابسته مقدار بیشتر از صفر. هر چه این میزان بیشتر باشد، بنابراین ضریب تأثیر متغیرهای مستقل بر وابسته بیشتر می‌باشد. ضریب تعیین تطبیق با والدین برابر ۰.۵۵۰ و ضریب تعیین کنترل منبع بیرونی برابر ۰.۴۰۴، دانش مالی ۰.۲۲۵، گرایشات دینی جوانان برابر با ۰.۳۴۰ و رفتار مالی جوانان برابر با ۰.۳۹۴ به دست آمده است.

[1] Hair, Bush, & Ortinau

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

جدول ۳: بررسی روایی واگرای سازه پژوهش

متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱- تطبیق با والدین	**۰.۴۱۳**								
۲- دانش مالی	۰.۰۴۲	**۰.۳۶۷**							
۳- کنترل منبع بیرونی	۰.۲۰۲	۰.۰۱۶	**۰.۳۲۳**						
۴- انگیزش دانش مالی	۰.۲۸۵	۰.۱۷۶	۰.۰۱۶	**۰.۶۴۶**					
۵- آموزش مالی والدین	۰.۲۲۹	۰.۳۴۱	۰.۱۶۵	۰.۳۵۹	**۰.۳۹۵**				
۶- نگرش های دینی والدین	۰.۳۶۳	۰.۳۱۶	۰.۲۷۸	۰.۴۴۳	۰.۱۸۸	**۰.۳۲۱**			
۷- رفتار مالی والدین	۰.۱۵۸	۰.۲۵۶	-۰.۳۰۸	۰.۳۶۸	۰.۱۷۲	۰.۲۳۵	**۰.۴۳۳**		
۸- نگرش دینی جوانان	۰.۳۲۳	۰.۱۰۱	۰.۱۹۶	۰.۲۲۸	۰.۲۴۵	۰.۳۲۴	۰.۳۰۳	**۰.۴۲۰**	
۹- رفتار مالی جوانان	۰.۷۴	۰.۱۵۹	-۰.۰۸۰	۰.۱۸۵	۰.۱۴۳	۰.۰۴۲	۰.۲۸۱	۰.۲۳۵	**۰.۶۰۸**

■ **نتایج آزمون فرضیه ها:**

در این پژوهش از مدل‌یابی معادلات ساختاری به روش حداقل مربعات جزئی و با استفاده از نرم افزار اسمارت پی ال اس ۲.۰[1] برای بررسی اعتبار سازه‌ها و همچنین آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده گردید. در مجموع از تحلیل عاملی تاییدی و مدل ساختاری استفاده شده است. در این مطالعه برای آزمون فرضیه ها از روش توصیه شده توسط اندرسون و گربینگ[2] (۱۹۸۸) استفاده گردید، بدین ترتیب که ابتدا تحلیل عاملی تاییدی برای پرسش‌های پرسشنامه صورت گرفت و سپس تحلیل ساختاری عامل‌ها برای آزمون درجه تاثیرگذاری متغیر مکنون مستقل بر متغیر مکنون وابسته انجام گرفت. شکل۲ مدل اصلی تحقیق را در حالت تخمین ضرایب استاندارد و آماره های تی نشان می‌دهد. در نهایت، جدول ۴ نشان دهنده روابط میان متغیرهای پژوهش و متعاقبا آزمون فرضیه های آن می باشد.

[1] SmartPLS 2.0
[2] Anderson & Gerbing

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

شکل ۲: نتایج مدل ساختاری پژوهش

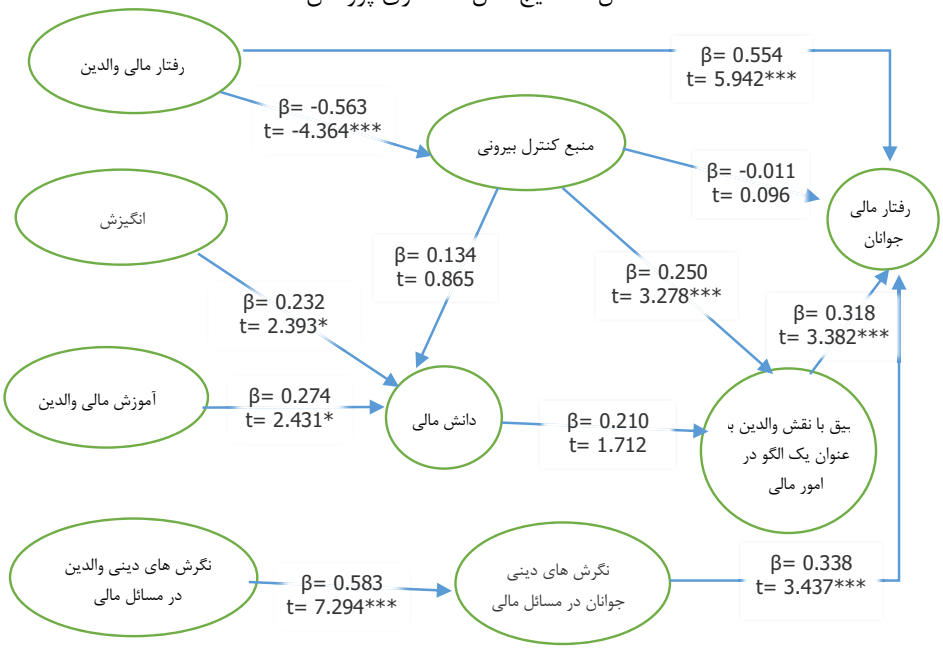

جدول ۴ : اثرات مستقیم، آماره t و نتیجه فرضیه تحقیق

	فرضیات اصلی تحقیق		ضریب مسیر(β)	آماره t	نتیجه
H1a	رفتار مالی والدین	رفتار مالی جوانان	۰.۵۵۴	۵.۹۴۲	تایید
H1b	آموزش مالی والدین	دانش مالی جوانان	۰.۲۷۴	۲.۴۳۱	تایید
H1c	رفتار مالی والدین	منبع کنترل بیرونی	-۰.۵۶۳	-۴.۳۶۴	تایید
H2	نگرش های دینی والدین	نگرش های دینی جوانان	۰.۵۸۳	۷.۲۹۴	تایید
H5	نگرش های دینی جوانان	رفتار مالی جوانان	۰.۳۳۸	۳.۴۳۷	تایید
H4	انگیزه جوانان	دانش مالی	۰.۲۳۲	۲.۳۹۳	تایید
H5a	منبع کنترل بیرونی	دانش مالی	۰.۱۳۴	۰.۸۶۵	رد
H5b	منبع کنترل بیرونی	رفتار مالی جوانان	-۰.۰۱۱	-۰.۰۹۶	رد
H6	منبع کنترل بیرونی	تطبیق با نقش والدین	۰.۲۵۰	۳.۲۷۸	تایید
H7	دانش مالی	تطبیق با نقش والدین	۰.۲۱۰	۱.۷۱۲	رد
H8	تطبیق با نقش والدین	رفتار مالی جوانان	۰.۳۱۸	۳.۳۸۲	تایید

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]

[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]

[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

۶- نتیجه‌گیری و بحث:

این پژوهش مدلی را اجرا کرد که طی آن رفتار مالی جوانان را بررسی نمود. این مدل اقدام به بررسی عوامل مختلفی که ممکن بر روند رفتار مالی جوانان تاثیر گذار باشد همانند عوامل شخصیتی، شناختی و اعتقادی و اکتسابی نمود. نتایج این پژوهش نشان می دهد برخی از ویژگی های شخصیتی و متغیرهایی نظیر باورهای مذهبی و رفتار مالی والدین در این رفتارها تاثیر گذار است.

نتایج به وضوح نشان می دهد که تاثیر معناداری میان رفتار مالی والدین با رفتار مالی جوانان وجود دارد. این یافته ها مبین نقش حیاتی عامل خانواده و رفتار اعضای ارشد خانواده در رفتار مالی جوانان می باشد. این یافته ها تایید می کنند که رفتار مالی خود والدین می تواند در آینده بر رفتار مالی فرزندان تاثیر گذار باشد. پس طبق یافته های این فرضیه، می توان بیان نمود که رفتار فعلی والدین فرزندان در جامعه می تواند تبیین کننده رفتار بزرگسالان آینده در جامعه باشد و نباید انتظار داشت که رفتار مالی جوانان در جامعه تغییرات زیادی با رفتار پیشینیان آن داشته باشد. یافته های پژوهش های مشابه خارجی نیز نشان دهنده تاثیر مثبت رفتار مالی والدین بر رفتار مالی جوانان می باشد و مبین این امر است که تفاوت فرهنگی تاثیر بسزایی در تاثیر این عوامل بر یکدیگر ندارد (آنگولو-رویز و پرگلووا، ۲۰۱۵). همچنین، این یافته ها نشان می دهند که آموزش هایی که والدین برای انجام امور مالی به فرزندانشان می دهند می تواند نقشی تعیین کننده در رفتار مالی آتی داشته باشد. امری که می تواند موجب ایجاد یک دیدگاه در مورد رفتار در مورد مسائل مالی شود. این آموزش ها می تواند موجب افزایش دانش مالی فرزندان گردد. یافته های انگولو-رویز و پرگلووا (۲۰۱۵) نیز تایید کننده این یافته می باشد و بیان می کند که هر چقدر سطح آموزش مالی والدین به کودکان بالاتر باشد، توانایی مدیریت مالی در جوانان نیز بهبود معناداری خواهد یافت. اگرچه این دانش به دست آمده از آموزش مالی والدین تاثیر معناداری با تطبیق با نقش والدین به عنوان یک الگو در امور مالی ندارد ولی همین تاثیر اندک (ضریب ۰.۲۱۰ و آماره تی ۱.۷۱۲) نیز می تواند به عنوان یک اثر نسبی بر رفتار مالی جوانان تلقی گردد.

از سوی دیگر، انگیزه جوانان برای یادگیری به طور موثری می تواند منجر به افزایش دانش مالی در جوانان گردد به طوری که افراد جوان به دلایل گوناگونی نظیر درآمد کم، هزینه های بالای زندگی و عدم یادگیری و آموزش لازم برای مدیریت امور مالی تمایل بیشتری به کسب دانش در جهت بهبود رفتار مالی خود دارند. آنگولو-رویز و پرگلووا (۲۰۱۵) نیز بیان نمودند که استفاده از پلتفرم های گوناگون و فناوری می تواند کنجکاوی و تلاش برای یادگیری را افزایش

دهد، موجب سطح بالاتری از سواد مالی در میان افراد جوان شود و در نتیجه بر سطح دانش مالی و رفتار مالی آنان تاثیرگذار باشد.

یافته های پژوهش حاضر نشان می دهد که منبع کنترل بیرونی تاثیر معناداری بر دانش مالی و رفتار مالی جوانان ندارد، در حالیکه همین عامل به طور معناداری موجب بهبود تطبیق با نقش والدین گردیده است. در مقابل، یافته های مطالعه ای که در کانادا صورت گرفته است نشان دهنده تاثیر معنادار ولی معکوس کنترل منبع بیرونی هم بر دانش مالی و هم بر رفتار مالی جوانان است (آنگولو-رویز و پرگلووا، ۲۰۱۵). این تفاوت در نتیجه می تواند به دلیل تفاوت در نوع تربیت فرزندان در کودکی باشد که در ایران فرزندان از لحاظ مالی مدت زمان بیشتری به والدین وابسته هستند و احساس مسئولیت کمتری در این زمینه دارند ولی در کانادا به دلیل اینکه فرزندان پس از ۱۸ سالگی از قیومیت والدین خارج شده و زندگی جداگانه ای را برای خود تشکیل می دهند نیاز به حس مسئولیت بالاتری نسبت به دوران زندگی با والدین خود دارند. به طور مثال، این نتایج نشان می دهد که افرادی کانادیی که دارای کنترل منبع داخلی بالایی هستند، تلاش بیشتری برای یادگیری و بهبود دانش مالی خود انجام می دهند زیرا هرگونه خطا در امور مالی نشان دهنده عدم توانایی مدیریت مالی آنان است در حالی که پژوهش حاضر نشان می دهد که جوانان ایرانی به دلیل اینکه تا زمان ازدواج مسئولیت مالی زیادی در قبال زندگی ندارند، آگاهی یا عدم آگاهی مالی دارای اولویت بالایی در زندگی شان ندارد.

از سوی دیگر، نتیجه به آمده از پژوهش نشان می دهد که عوامل اعتقادی تاثیر زیادی بر رفتار مالی جوانان دارند. یافته های این بخش نشان می دهد که نگرش های دینی والدین تاثیر مستقیم و معناداری بر نگرش های دینی فرزندانشان دارند که این نگرش ها نیز به نوبه خود تاثیر معناداری بر رفتار مالی جوانان دارند. به طور کلی، می توان بیان نمود که دین و اعتقاد به مسائل دینی علاوه بر اینکه تاثیر مهمی بر رفتارهای شخصی و اجتماعی افراد دارند، می توانند از افراد به یکدیگر منتقل شوند و به عنوان یک متغیر اکتسابی تلقی گردند. طبق یافته ها، می توان بیان نمود که رفتار مالی جوانان به صورت قابل توجهی از نگرش ها و اعتقادات دینی آنان سرچشمه می گیرد و این اعتقادات نقش مهمی در چگونگی انجام امور مالی شخصی جوانان دارند.

فهرست منابع:

آقامحمدی، جواد (۱۳۹۲). بررسی نقش الگوی تربیتی والدین در تربیت دینی فرزندان. فصلنامه پژوهشنامه تربیت تبلیغی، سال اول، شماره یک، صص ۱۰۵-۱۲۶.

احمدی، غلامرضا؛ امیری، سید محمد رضا (۱۳۸۱). بررسی پاره‌ای از ویژگی‌های شخصیتی، خانوادگی و آموزشی دانش‌آموزان نمازگزار پسر دوره راهنمایی منطقه جی شهر

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

اصفهان. فصلنامه علمی-پژوهشی علوم انسانی الزهرا(س)، سال ۱۲، شماره ۴۲، صص ۱-۱۲.

اشرف گنجوئی، اسما؛ نایب زاده، شهناز(۱۳۹۳). بررسی رابطه اعتقادات مذهبی و سواد مالی اسلامی در دانشجویان مقطع کارشناسی ارشد. دانش مالی اوراق بهادار، سال ۷، شماره ۳، صص ۴۵-۵۵.

ایرانی، وحید؛ لقمانی، محسن؛ روحانی، میثم؛ بنار، نوشین (۱۳۹۲). طراحی مدل تعهد ورزشی دانشجویان ورزشکار: نقش سازه های انگیزش و رضایتمندی. پژوهش در ورزش های دانشگاهی، سال سوم، شماره دوم، صص ۲۹-۴۸.

جزایری، مهناز (۱۳۸۴). شخصیت پیشرفته. تهران: جهاد دانشگاهی.

حیدری پهلویان، احمد؛ محجوب، حسین؛ ضرابیان، محمد کاظم (۱۳۷۸). رابطه منبع کنترل درونی - بیرونی با افسردگی و عملکرد تحصیلی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی همدان. روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران، شماره شانزده، صص ۲۳-۳۱.

درانی، کمال؛ اسلامی بیدگلی، غلامرضا؛ گوهری نادر، طاهره (۱۳۹۲). بررسی اثربخشی دورههای آموزش عمومی بورس اوراق بهادار تهران در ارتقا دانش مالی و فرهنگسازی شرکت کنندگان. فصلنامه مشاوره شغلی و روانشناسی، سال پنجم، شماره چهاردهم، صص ۱۱۹-۱۳۳.

دنیای اقتصاد (۱۳۹۶)، منطقه اصابت وام های بانک، برگرفته از سایت زیر در تاریخ ۱۳۹۵/۰۳/۱۷: .http://donya-e-eqtesad.com/news/1094992

دیانتی دیلمی، زهرا؛ حنیفه زاده، محمد (۱۳۹۴). بررسی سطح سواد مالی خانواده های تهرانی و عوامل مرتبط با آن. دانش مالی اوراق بهادار، سال ۸، شماره ۲۶، صص ۱۱۵-۱۳۹.

سپهوند، رضا؛ نصر اصفهانی، علی؛ عارف نژاد، محسن؛ سبحانی، محمد (۱۳۹۲). تاثیر رهبری معنوی بر انگیزش درونی کارکنان. چشم انداز مدیریت دولتی، شماره سیزده، صص ۱۰۷-۱۲۸.

صالحی، اکبر؛ یاراحمدی، مصطفی (۱۳۸۷). تبیین تعلیم و تربیت اسلامی از دیدگاه علامه طباطبایی با تأکید بر هدف‌ها و روش‌های تربیتی. تربیت اسلامی، سال سوم، شماره هفتم، صص ۲۳-۵۰.

مرکز ایران آمار (۱۳۹۶) برگرفته از پایگاه داده مرکز آمار ایران در تاریخ ۱۳۹۶/۰۳/۱۷ از آدرس: https://www.amar.org.ir/portals/0/census/1395/results/chekide-natayej-sarshomari-1395.pdf

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]

[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]

[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

Ajzen, I. (1991). The theory of planned behavior. Organizational Behavior and Human Decision Processes, 50(2), 179–211. https://doi.org/http://dx.doi.org/10.1016/0749-5978(91)90020-T

Anderson, J. C., & Gerbing, D. W. (1988). Structural equation modeling in practice: A review and recommended two-step approach. Psychological bulletin, 103(3): 411.

Angulo-Ruiz, F., & Pergelova, A. (2015). An Empowerment Model of Youth Financial Behavior. Journal of Consumer Affairs, 49(3), 550–575. https://doi.org/10.1111/joca.12086

Arnett, J. J. (2007). Emerging adulthood: What is it, and what is it good for?. Child development perspectives, 1(2):68-73.

Cho, S. H., Gutter, M., Kim, J., & Mauldin, T. (2012). The Effect of Socialization and Information Source on Financial Management Behaviors among Low- and Moderate-Income Adults. Family and Consumer Sciences Research Journal, 40(4), 417–430. https://doi.org/10.1111/j.1552-3934.2012.02120.x

Gursoy, D., McCleary, K. W., & Lepsito, L. R. (2007). Propensity To Complain: Effects of Personality and Behavioral Factors. Journal of Hospitality & Tourism Research, 31(3), 358–386. https://doi.org/10.1177/1096348007299923

Hair, J. F., Bush, R. P., & Ortinau, D. J. (2003). Marketing Research. Within a Changing Information Environment. McGraw-Hill. https://doi.org/10.1111/j.0737-6782.2005.00098.x

Hoffman, D. L., Novak, T. P., & Schlosser, A. E. (2003). Locus of Control, Web Use, and Consumer Attitudes toward Internet Regulation. Journal of Public Policy & Marketing, 22(1): 41–57. https://doi.org/10.1509/jppm.22.1.41.17628

Jorgensen, B. L., Rappleyea, D. L., Schweichler, J. T., Fang, X., & Moran, M. E. (2016). The Financial Behavior of Emerging Adults: A Family Financial Socialization Approach. Journal of Family and Economic Issues, 1–13. https://doi.org/10.1007/s10834-015-9481-0

Letkiewicz, J. C., & Fox, J. J. (2014). Conscientiousness, financial literacy, and asset accumulation of young adults. Journal of Consumer Affairs, 48(2), 274–300. https://doi.org/10.1111/joca.12040

Kanter, J. (2000). The Untold Story of Clare and Donald Winnicott: How Social Work Influenced Modern Psychoanalysis. Clinical

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

Social Work Journal, 28(3), 245–261. https://doi.org/10.1023/A:1005179617180

Koonce, J. C., Mimura, Y., Mauldin, T. A., Rupured, A. M., & Jordan, J. (2008). Financial Information: Is It Related to Savings and Investing Knowledge and Financial Behavior of Teenagers? Journal of Financial Counseling and Planning, 19(2), 19.

Norvilitis, J. M., Merwin, M. M., Osberg, T. M., Roehling, P. V., Young, P., & Kamas, M. M. (2006). Personality factors, money attitudes, financial knowledge, and credit-card debt in college students. Journal of Applied Social Psychology, 36(6), 1395–1413. https://doi.org/10.1111/j.0021-9029.2006.00065.x

Perry, V. G., & Morris, M. D. (2005, September). Who is in control? The role of self-perception, knowledge, and income in explaining consumer financial behavior. Journal of Consumer Affairs. Blackwell Science Inc. https://doi.org/10.1111/j.1745-6606.2005.00016.x

Peterson, R. A., & Merunka, D. R. (2014). Convenience samples of college students and research reproducibility. Journal of Business Research, 67(5), 1035-1041.

Piquero, A. R., Farrington, D. P., Welsh, B. C., Tremblay, R., & Jennings, W. G. (2009). Effects of early family/parent training programs on antisocial behavior and delinquency. Journal of Experimental Criminology, 5(2), 83–120. https://doi.org/10.1007/s11292-009-9072-x

Prendergast, G., & Wong, C. (2003). Parental influence on the purchase of luxury brands of infant apparel: an exploratory study in Hong Kong. Journal of Consumer Marketing, 20(2), 157–169. https://doi.org/10.1108/07363760310464613

Rotter, J. B. (1982). Social learning theory. Expectations and actions: Expectancy-value models in psychology, 241-260.

Sevim, N., Temizel, F., & Sayilir, Özlem. (2012). The effects of financial literacy on the borrowing behaviour of Turkish financial consumers. International Journal of Consumer Studies, 36(5), 573–579. https://doi.org/10.1111/j.1470-6431.2012.01123.x

Shim, S., Barber, B. L., Card, N. A., Xiao, J. J., & Serido, J. (2010). Financial Socialization of First-year College Students: The Roles of Parents, Work, and Education. Journal of Youth and

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]
[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]
[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]

Adolescence, 39(12), 1457–1470. https://doi.org/10.1007/s10964-009-9432-x

Sreejesh, S., Mohapatra, S., & Anusree, M. R. (2014). Business Research Methods: an applied orientation. https://doi.org/10.1007/978-3-319-00539-3

Tang, N., & Baker, A. (2016). Self-esteem, financial knowledge and financial behavior. Journal of Economic Psychology, 54(April), 164–176. https://doi.org/10.1016/j.joep.2016.04.005

Tang, N., Baker, A., & Peter, P. C. (2015). Investigating the Disconnect between Financial Knowledge and Behavior: The Role of Parental Influence and Psychological Characteristics in Responsible Financial Behaviors among Young Adults. Journal of Consumer Affairs, 49(2), 376–406. https://doi.org/10.1111/joca.12069

Xiao, J. J., Chen, C., & Sun, L. (2015). Age differences in consumer financial capability. International Journal of Consumer Studies, 39(4), 387–395. https://doi.org/10.1111/ijcs.12205

[Downloaded from aapc.khu.ac.ir on 2024-04-19]

[DOR: 20.1001.1.24767166.1396.2.3.5.4]

[DOI: 10.29252/aapc.2.3.87]